

دستاوردها و چشم‌انداز اعتصاب سراسری در نفت

اعتصاب بزرگ و سراسری ده‌ها هزار کارگر پیمانی و پروژه‌های نفت و گاز و پتروشیمی که نخستین جرعه آن با فراخوان " شورای سازمان‌دهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت" در روزهای پایانی خرداد ۱۴۰۰ زده شد تا به امروز ۱۷ مرداد ادامه یافته و وارد پنجاهمین روز خود شده است. به‌رغم پایان اعتصاب در درصفحه ۳



عمیق‌تر شدن شکاف در درون طبقه حاکم

هر بحران سیاسی انقلابی و عمیق که همراه است با مبارزه مستقیم و علنی توده‌های مردم علیه نظم حاکم، ضرورتاً در درون طبقه حاکم نیز انعکاس می‌یابد، تضادهای درونی این طبقه را تشدید می‌کند و اختلاف‌ها و شکاف‌های عمیقی در صفوف آن پدید می‌آورد. این شکاف‌ها نیز به‌غویه خود، تبدیل به عامل دیگری برای رویگردانی هر چه بیشتر مردم از طبقه حاکم و فوران گسترده‌تر خشم و نارضایتی می‌شود. تضادها و شکاف‌های درونی طبقه حاکم بر ایران در جریان بحران سیاسی کنونی، اکنون به نقطه‌ای رسیده است که گروه‌های مختلفی که هریک به نحوی فراکسیون‌های بورژوازی را نمایندگی درصفحه ۱۰

بحران تشدید می‌شود، کاری از جلد مردم ساخته نیست

دولت برخاسته از رای خود خواستند عدالت را تحقق بخشند، با فساد مبارزه کنند و به روابط ناسالم اداری و رانت خواری‌ها و هرگونه ضد ارزش پایان بدهند". ابراهیم رئیسی، در مراسم تحلیف خود نیز همان وعده‌های توخالی مراسم تحلیف را با رنگ و لعاب بیشتری به خورد نمایندگان مجلس و میهمانان داخلی و خارجی حاضر در مراسم داد. او، اینبار نیز با روخوانی از انشایی که برایش نوشته بودند، بر "ایجاد شفافیت حداکثری در درصفحه ۶

روز سه شنبه ۱۲ مرداد و پنجشنبه ۱۴ مرداد ۱۴۰۰، مراسم تنفیذ و تحلیف ابراهیم رئیسی برگزار شد. مراسم تنفیذ در بیت خامنه‌ای و مراسم تحلیف در مجلس ارتجاع اسلامی با حضور "میهمانان خارجی" برگزار شد. ابراهیم رئیسی در مراسم تنفیذ خود با اشاره به نتایج مضحکه انتخاباتی و اذعان بر اینکه "پیام مردم پیام تغییر وضعیت موجود بود"، گفت: پیام ۲۸ خرداد، پیام ضرورت رفع مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه بود. این‌ها پیام‌هایی بود که مردم با رای خود دادند و از

اقدامات ماجرا جویانه‌ای که برای جمهوری اسلامی نتایج معکوس به همراه آورد

تنش‌آفرینی‌های اخیر جمهوری اسلامی در منطقه با این هدف که دولت آمریکا را وادار به نرمش بیشتری در مذاکرات احیای برجام کند، برخلاف انتظار مقامات سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی نتیجه‌ی عکس داد و به فشار بر جمهوری اسلامی و تقویت مواضع دولت آمریکا انجامید. باید دید که تنش‌های این چند روزه و تهدیدات مداوم دولت‌های اسرائیل و ایران به کجا خواهد انجامید؟ آیا برآستی دولت اسرائیل در صورت به نتیجه نرسیدن در شورای امنیت و تشدید تحریم و فشارهای بین‌المللی بر جمهوری اسلامی، به طور مستقل وارد عمل خواهد شد؟ روز ۵ شنبه ۷ مرداد (۳۰ ژوئیه)، نفتکش "ام‌وی مرسر استریت" که تحت مالکیت یک شرکت ژاپنی درصفحه ۷

کرکسان جمهوری مرگ به تماشای مرگ مردم نشست‌اند

نایب رئیس کمیسیون بهداشت مجلس روز شنبه ۱۶ مرداد گفت: "مسئولین و مردم با عبور از چهار پیک بیماری، دیگر دچار خستگی، کاهش حساسیت و انگیزه شده‌اند." درباره مردم باید گفت که آنان "با عبور از چهار پیک بیماری" و در میانه پیک سهمگین پنجم "خسته، کم‌حساسیت و کم‌انگیزه" نشده‌اند، بلکه خشمگین‌اند؛ خشمگین از جنابیتی که در حق آنان می‌رود، اما "مسئولین" از چه خسته شده‌اند؟ از ممانعت از خبررسانی به‌هنگام و شفاف، از انتشار آمار کذب، از وعده‌های بی‌سرانجام یا از انباشتن جیب‌های خود به قیمت جان و سلامت مردم؟

این روزها، رسانه‌های ایران مملو است از خبر افزایش شهرهای قرمز، آمار مبتلایان و درگذشتگان، کمبود امکانات پیشگیرانه همچون ماسک، مواد ضدعفونی‌کننده و بهداشتی و امکانات درمانی نظیر دارو، تخت بیمارستانی و کادر درمانی در پی شیوع گونه‌ی دلتای کرونا. پیامدهایی به آسانی قابل پیش‌بینی پس از شیوع این گونه از ویروس در هند و مشاهده‌ی عواقب مرگبار آن.

مسئولین جمهوری اسلامی که پیش و حتا پس از مشاهده اولین نشانه‌های بروز اپیدمی کرونا در ایران، هیچ‌گونه اقدام مؤثری جهت کنترل و پیشگیری اتخاذ نکرده بودند، این بار نیز در مواجهه با ورود این گونه جدید با قدرت سرائیتی ۳۰۰ درصد نسبت به گونه‌ی قدیمی، به همان سیاست انکار و بی‌اعتنایی همیشگی روی آوردند تا آن گاه که از شهرها و استان‌های مرزی به دورترین نقاط ایران گسترش یافت. طبق آخرین آمار تا روز ۱۶ مرداد، هم اکنون ۳۳۶ شهرستان کشور در وضعیت قرمز، ۸۴ شهرستان در وضعیت نارنجی و ۲۸ شهرستان در وضعیت زرد قرار دارند. به گزارش تسنیم، برآیند موارد ابتلای روزانه با رشد ۲ / ۷۷ درصدی، موارد بستری جدید روزانه با رشد ۸ / ۸۵ درصدی و

درصفحه ۲

پیکت پنجشنبه‌های اعتراضی در ونکوور

درصفحه ۵

گزارش کوتاهی از آکسیون روز سه‌شنبه ۳ اوت در هامبورگ

درصفحه ۵

کرکسان جمهوری مرگ به تماشای مرگ مردم نشسته‌اند

ورود بیماران جدید به بخش مراقبت‌های ویژه نیز با رشد ۳۸ / ۳۱ درصدی نشان می‌دهند که تعداد موارد فوتی روزانه ناشی از کرونا ۶ / ۱۰۶ درصد رشد داشته است. روابط عمومی وزارت بهداشت روز یکشنبه ۱۷ مرداد اعلام کرد در بیست و چهار ساعت گذشته ۳۹ هزار و ۶۱۹ بیمار جدید مبتلا به کرونا شناسایی شده و ۵۴۲ نفر جان خود را از دست داده‌اند.

در میانه این بحران وخیم، مسئولین رژیم نه حاضرند قرنطینه‌ای، حتی به مدت دو هفته، برقرار کنند، نه قادرند امکانات درمانی کافی در دسترس مردم قرار دهند و نه تن به ممانعت از برگزاری مراسم مذهبی عاشورا می‌دهند.

نمکی در ۸ مرداد در نامه‌ای خطاب به خامنه‌ای درخواست تعطیلی دو هفته‌ای کرد، او هم درخواست این مجبوزگی دربارش را به "ستاد ملی کرونا" حواله داد! در این نام، یعنی "ستاد ملی کرونا" چه حقیقتی در آن نهفته است! ستادی که نه برای مقابله با کرونا بلکه برای شیوع آن تشکیل شده است. بنا به خبرها قرار بود طبق دستور ستاد کرونا از روز پنجشنبه ۱۴ مرداد تمام سفرها به استان خراسان رضوی ممنوع شود، اما روز جمعه بیش از ۶۶ پرواز به مشهد انجام شد. گو آن که دستورات پیشین قرنطینه آن نیز هیچ‌گاه به درستی به اجرا درنیاورد.

امکانات درمانی از جمله دارو نیز از دیگر معضلاتی است که در میانه این بحران خودنمایی می‌کند. این معضل به گونه‌ایست که نه تنها داروهای تسکین‌دهنده‌ای همچون "رمدسویور" نایاب شده‌اند، بلکه سرم‌های ساده‌ی قندی-نمکی نیز کمیاب شده‌اند البته گویا نه در بازار سیاه. هریک از مسئولین رژیم کمبود سرم را به عاملی حواله می‌دهد، یکی به قطعی برق و دیگری به دشواری در تهیه ماده اولیه پتروشیمی برای بستن سدی سرم بر اثر تحریم‌ها. اما به گزارش "اکوایران" تولیدکنندگان سرم علت را تقاضای بیش از پیش می‌دانند که خود نشانه‌ایست از میزان ابتلا و مرگی بسی بالاتر از آمار رسمی وزارت بهداشت. در ۱۶ مرداد نیز در خبرها آمده بود، بیمارستان‌ها برای تزریق رمدسویور که تا دو هفته پیش بین یک میلیون تا ۲۰ میلیون تومان در بازار آزاد خرید و فروش می‌شد، بین ۳ تا ۱۳ میلیون تومان درخواست می‌کنند. به این ترتیب در میانه این تراژدی بزرگ، سوداگران خونین‌دستی هستند که انبان دوخته‌اند.

از دیگر کمبودها، کمبود کادر درمان، خستگی و فرسودگی مفرد آنان پس از ۱۸ ماه مقابله با بیماری است. در گزارشی در فروردین ماه آمده بود، از هنگام شیوع کرونا در ایران هشتاد هزار پرستار مبتلا شده‌اند که از میان آنان دستکم ۱۴۳ نفر جان باخته بودند (میانگین جهانی ۵۰ نفر است، حتی در کشوری مانند هند با بیش از یک میلیارد جمعیت). گذشته از آن، به رغم واکسیناسیون اکثر مقامات دولتی، تنها ۳۰ درصد پرستاران تا پایان فروردین ماه، واکسینه شده بودند. اکنون با پیک جدید با گونه دلتا، باز هم خبرهای متعددی از ابتلای کادر درمانی با وجود تزریق دو دز واکسن منتشر می‌شود. در گزارش دیگری در دی ماه ۱۳۹۹، به گفته سازمان نظام

پزشکی "در ۱۰ ماه گذشته، ۲۰۰ پزشک جان باخته‌اند.

بنا به آمار همین نهاد طی همین مدت ۳۰۰۰ پزشک مهاجرت کرده‌اند و به گفته رئیس هیئت مدیره نظام پرستاری تهران در سال ۹۹ ماهانه حدود ۵۰۰ پرستار مهاجرت کرده‌اند.

این در حالی است که حتی پیش از شیوع کرونا، در حدود ۱۰۰ هزار کمبود پرستار در کشور وجود داشت و وعده‌های متعدد در مورد استخدام پرستار، به رغم وجود ۵۰ هزار پرستار بیکار هیچ‌گاه محقق نشدند. ماجرا ادامه دارد. پس از شیوع کرونا و کاهش درآمد بیمارستان‌های خصوصی تعدادی از پرستاران این بیمارستان‌ها نیز اخراج شده‌اند. واکنش مقامات دولتی از جمله حریرچی، معاون وزارت بهداشت چنین بوده است: "بخش خصوصی در تمام دنیا تابع ملاحظات اقتصادی خاص خودش است"، "متولی این کار وزارت رفاه است و قانون کار در این رابطه حاکم است" و "ما در این رابطه کار ویژه‌ای نداریم".

گذشته از آن پرستاران بارها در اعتراض به معوقات مزدی، عدم دریافت به موقع و دقیق پاداش کرونا، بی‌تدبیری در زمینه حفظ منابع انسانی، عدم جذب نیروهای ۸۹ روزه و عدم شمول پرستاری به عنوان مشاغل سخت و زیان‌آور تجمعات اعتراضی برپا کرده‌اند. تجمعاتی که در پاسخ، وعده‌های بی‌سرانجام گرفته‌اند. پرستاران بارها نیز کارزارهایی سامان داده‌اند. از جمله کارزار "خون‌نامه پرستاران" در فروردین ماه با امضای بیش از ۷۰۰۰ پرستار. آنان در این کارزار از سران سه قوه خواسته بودند تا هرچه سریع‌تر به مجموع مطالبات محقق نشده و از جمله حذف پرستاری از "مشاغل سخت و زیان‌آور" رسیدگی کنند. در بخش‌هایی از بیانیه کارزار به "انکار و منع کارکنان درمان از استفاده از تجهیزات حفاظت فردی، با توجیه ترس بیماران و مراجعین، عرضه محدود وسائل حفاظت فردی غیراستاندارد (اعم از لباس نقاش ساختمان، ماسک تولید شده در خیاط خانه بیمارستان، تهویه نامناسب سیستم‌های بیمارستانی و غیره) و شلوغی بیش از حد بیمارستان‌ها در وضعیت کمبود نیرو" اشاره شده بود.

در ۱۰ مرداد سال جاری نیز پزشکان و دانشجویان پزشکی در شهرهای تهران، همدان، یاسوج، کرمان و شیراز علیه سودجویی شرکت‌های بیمه، استثمار پزشکان، طرح کارورزی پزشکی به اعتراض برخاستند. از جمله پلاکاردهای آنان در برابر مجلس شورای اسلامی چنین بود: «ویزیت رایگان = حق مردم؛ تعرفه واقعی = حق پزشکان»، «سازمان‌های بیمه، دست در جیب مردم؛ پای بر گلوی پزشکان»، «کادر پزشکی تنه‌است؛ جلوی دروغ‌پراکنی رسانه‌ها را بگیرید»، «حقوق بالای ما روایتی عظیمه، به نام ما پزشکان ولی به کام بیمه»، «پزشک بی‌بان و خواب، اعصاب اعصاب». در اعتراضات همبستگی با خوزستان، کادر درمانی بیمارستان خمینی کرج با شعارهایی مانند "مرگ بر دیکتاتور"، "عزا

عزاست امروز، زندگی پرستار روی هواست امروز" به خیابان‌های آمدند.

کمبود تخت بیمارستانی نیز از دیگر معضلات بزرگ بحران کنونی است. کمبودی که موجب گردیده، بیماران در راهروهای بیمارستان یا محوطه‌های باز بیمارستان‌های بستری شوند. در عکس‌های و کلیپ‌های منتشره نیز بسیاری را سرم به دست در پیاده‌روها و اتومبیل‌ها شاهدیم. بسیاری از بیماران نیز به علت کمبود تخت پذیرش نمی‌شوند. بر این تعداد، تهیدستانی را بیفزایید که ناتوان از تأمین هزینه‌های سنگین درمانی از رجوع به پزشک و بیمارستان خودداری می‌کنند.

سران رژیم از "امکان" فروپاشی نظام درمان و سلامت سخن می‌گویند در حالی که مجموعی این معضلات و بسیاری معضلات دیگر، کافی است تا نشان دهد که نظام "درمان و سلامت" ایران مدت‌هاست که فروپاشیده است و مسئولان تنها نظاره‌گر شرایطی هستند که خود پدید آورده‌اند.

مسئولان رژیم که پیرو دستور رهبر جنایتکارشان، خامنه‌ای، از خرید و ورود به‌هنگام واکسن‌های مؤثر و مورد تأیید جهانی سر باز زده‌اند، هنوز در میانه بحرانی که روزانه چند صد قربانی از میان مردم می‌گیرد، حاضر نیستند گام‌های مؤثری در راستای تهیه واکسن و تسریع واکسیناسیون بردارند. تعداد واکسیناسیون با "واکسن" داخلی نیز به رغم وعده‌های سعید نمکی، وزیر بهداشت و دلالت واکسن، در بهمن ۹۹ مبنی بر آن که "در ۲ یا ۳ ماه آینده، یکی از قطب‌های بسیار مهم تولید واکسن و صادرکنندگان به جهان خواهیم بود" با گذشت ۶ ماه به ۳ میلیون هم نرسیده است. این واکسن‌های ورشکسته در مرحله تولید، همان واکسن‌هایی هستند که تولیدکنندگان سودجویان حاضر نیستند، حتی اطلاعات علمی آن را در اختیار کارشناسان بهداشت و درمان داخلی و خارجی قرار دهند. از این‌رو روشن نیست از چه رو مردم آگاه از ماهیت جنایتکار و فاسد سران رژیم باید به چنین واکسنی اعتماد کنند. با وجود این، گویا واکسن‌های متعددی در ایران وجود دارد، اما در بازار سیاه و به قیمت‌های چند میلیونی. واکسن‌هایی دور از دسترس توده‌های مردمی که حتی در تأمین نان شب خود مانده‌اند.

در برابر، قرار است به رغم هشدارها در مورد گسترش ویروس و "خطر تجمع حتی در فضای باز" فضاهای شهر تهران (و مسلماً شهرهای دیگر) در اختیار هیئت‌های عزای حسینی قرار گیرند! شورای شهر تهران "فوریت" لایحه "احداث قبرستان‌های جدید در تهران" را به تصویب می‌رساند و یکی از اعضای شورای شهر تهران اعلام می‌کند "برای هر تهرانی یک قبر رایگان در نظر گرفته شده است".

اکنون نیز به بهانه‌ی تغییر رئیس جمهور و کابینه، همان حداقل کارهای پیشین رها شده‌اند و مردم به حال خود واگذاشته شده‌اند تا بمیرند. از این‌روست که نایب رئیس کمیسیون بهداشت مجلس، مدعی می‌شود: "مسئولین ... دچار خستگی، کاهش حساسیت و انگیزه شده‌اند". گفته‌ای که حقیقتی در آن نیست. این کرکسان جمهوری مرگ ماه‌هاست که با بستن راه‌های کنترل و پیشگیری به تماشای مرگ مردم نشسته‌اند. در صفحه ۵

دستاوردها و چشم‌انداز اعتصاب سراسری در نفت



تمام‌روزهای سخت اعتصاب و در فقدان تشکل سراسری نفت توانسته است در حد امکان و توانایی خود، اعتصاب را رهبری و هدایت کند. بدیهی است که در جریان اعتصاب نیز تجارب زیادی آموخته و آیدیه‌تر شده که این تجارب و آموختنی‌ها بی‌شک در اعتصابات بعدی مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

از اقدامات مهم و مؤثر "شورای سازمان‌دهی" تعیین فوری ۴ خواست محوری به‌عنوان کف خواست‌های کارگران بوده است که کارگران در واحدها و شرکت‌های گوناگون و پراکنده، بتوانند این خواست‌ها را به‌عنوان خواست‌های پایه‌ای و شرط مذاکره و پایان اعتصاب در مقابل کارفرما قرار دهند. این اقدام درجای خود تأثیرات مثبتی بر جای گذاشت و کارگرانی را که ممکن بود در برابر پیشنهادهای کارفرمایان برای مذاکره و پایان اعتصاب دچار ابهام و سردرگمی شوند نجات داد.

موضوع بسیار مهم دیگر، رهنمودها و توصیه‌های "شورای سازمان‌دهی" برای مداخله‌گری بیشتر و فعال‌تر کارگران هر واحد از طریق برگزاری مجامع عمومی و انتخاب نمایندگان واقعی کارگری است. این رهنمود که راه را بر هرگونه تصمیم‌گیری افراد و گرایش‌های غیر کارگری از فراز سرکارگران مسدود می‌کند، باز خورد جالب و سریعی داشت و در میان بخش‌های وسیعی از کارگران شکل عملی به خود گرفت. روز ۱۰ مرداد ۱۴۰۰ طبق فراخوان قبلی، کارگران پروژه‌های نفتی و صنعتگران ساکن استان چهارمحال و بختیاری، با برگزاری مجمع عمومی خود در شهرستان هفشجان، ضمن ابراز مخالفت خود با گروه پاپی‌نگ، بر ادامه اعتصاب تأکید کردند. از این قبیل مجامع کارگری پیش از آن در برخی شهرها و مناطق دیگر نیز برگزار شده بود. "شورای سازمان‌دهی" در کانال تلگرامی خود در این زمینه نوشت: "روز ۳۰ تیر کارگران پیمانی پروژه‌های نفت ساکن کرمانشاه تجمع کرده و بر روی ادامه اعتصاب تا رسیدن به خواست‌های خود تأکید کردند. تاکنون در مناطقی نظیر گهرو، لردگان، روستای بیان در ایذه، آبادان، خرمشهر، اصفهان، سپیدانه، چغاخور، فارس، فولادشهر، آلیکوه، اولاد حاج علی در تنگ گندمکار، ایذه، در پروژه نفتی مهران در جهان پارس و هفشجان برپا شده است. این تجمعات را می‌توانیم در تمام شهرها برپا کنیم و زمینه را برای ایجاد مجامع عمومی خود و تصمیم‌گیری در مورد چگونگی جلو بردن مطالبات خود فراهم کنیم."

روشن است که برگزاری مجامع عمومی و انتخاب نمایندگان واقعی و حضور فعال‌تر واحدهای پراکنده در پیشبرد اعتصاب و تأثیر آن

معدود شرکت‌هایی که کارگران با گرفتن برخی امتیازات به کار بازگشته‌اند، اما اعتصاب کم‌کم ادامه دارد. اعتصاب سراسری و درازمدت کارگران پیمانی و پروژه‌های نفت تا همین‌جا دستاوردهای مهمی داشته است. از جمله این دستاوردها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود.

گرچه هنوز نتایج قطعی اعتصاب سراسری کارگران پروژه‌ای و پیمانی نفت مشخص نشده اما این اعتصاب تا همین‌جا توانسته بسیاری از پیمانکاران را به عقب‌نشینی وادار کند. در برخی شرکت‌ها، سرمایه‌داران طرح بیست روز کار ده روز مرخصی، افزایش دستمزد حتی تا میزان دو برابر را پذیرفته‌اند. همچنین قول داده‌اند وضعیت خوابگاه و غذاخوری و ایمنی محیط کار را بهبود ببخشند. روشن است که اگر اتحاد و اعتصاب و مبارزه کارگران نبود، پیمانکاران ز الوصفت نیز هرگز حاضر به عقب‌نشینی و دادن این امتیازات نبودند. گرچه پس از بازگشت به کار کارگران، کارفرمایان ممکن است برخی از این امتیازات را باز پس گیرند، اما اولاً این اقدام آن‌ها با مقاومت و اعتراض شدید کارگران روبرو خواهد شد و ثانیاً عقب‌نشینی سرمایه‌دار در هر حد و اندازه، در حال معنایش پیشروی کارگران است.



دست‌آورد بسیار مهم دیگر کارگران نفت، ایزوله کردن گرایش راست پرو رژیم در نفت است. کارگران آگاه و پیشرو نفت و "شورای سازمان‌دهی" که با چشمانی باز تلاش مذبح‌حانه وزارت کار و خانه کارگر و عمال آن‌ها در گروه پاپی‌نگ برای تسلط بر اعتصاب و به کجراه بردن آن، چه زمانی که مهره خود را به‌عنوان نماینده کارگران علم کردند و خواست‌های کارگران را تقلیل دادند و چه زمانی که گروه پاپی‌نگ موضوع "نظرسنجی برای پایان اعتصاب" را پیش کشید، دنبال می‌کردند، با برخوردهای آگاه گرا نه و به‌موقع خود، این تلاش‌ها را خنثی کردند. این گرایش ضد کارگری، به‌رغم همه گونه امکانات و حمایت دولتی، تا این لحظه نتوانسته است کاری از پیش ببرد.

دست‌آورد مهم دیگر اعتصاب خود "شورای سازمان‌دهی" است. این شورا اگرچه هم‌زمان با اعتصاب اعلام موجودیت کرد، اما در

بر نتایج اعتصاب، یک دست‌آورد مثبت است. در این مجامع نه‌فقط می‌توان نمایندگان واقعی را انتخاب کرد، بلکه بر پایه خرد و تصمیم جمعی می‌توان ادامه اعتصاب را تضمین کرد و یا حتی در مورد شرایط پایان اعتصاب به بحث و تبادل نظر و تصمیم‌گیری پرداخت. حسن انتخاب نمایندگان واقعی کارگری در هر واحد فقط این نیست که مسیر مشارکت فعال در اعتصاب و سرنوشت آن را هموار می‌کند، بلکه مسیر مشارکت فعال کارگران پیشرو برای ایجاد یک تشکل سراسری را نیز می‌کوبد و هموار می‌کند. چراکه نمایندگان منتخب هر واحد از طریق تماس و پیوند و ایجاد ارتباط با هم و در همراهی با "شورای سازمان‌دهی" می‌توانند یک تشکل مستقل سراسری و هماهنگ‌کننده اعتصاب سراسری در بخش کارگران پیمانی و پروژه‌ای را که از نیازهای مبرم مبارزات این کارگران در لحظه فعلی است، پایریزی کنند. نیازی به توضیح نیست که انتخاب نمایندگان واقعی کارگری نه‌فقط به استحکام وحدت در صفوف کارگران کمک و در مبارزه علیه سرمایه‌داران، امکان تحقق خواست‌ها را بیشتر می‌کند بلکه اتخاذ تصمیم در مورد ادامه یا پایان اعتصاب سراسری از نوع آنچه اکنون در جریان هست را نیز آسان‌تر می‌کند.

در لحظه کنونی یکی از مسائل بسیار مهم اعتصاب، ادامه یا چگونگی پایان دادن به آن است. شواهد بسیاری از جمله مجمع عمومی کارگران پروژه‌ای و پیمانی استان چهارمحال و بختیاری که ۱۰ مرداد در شهر هفشجان برگزار شد، حاکی از تمایل عمومی کارگران به ادامه اعتصاب است. اگرچه تأکید بر ادامه اعتصاب و پیگیری آن تا رسیدن به خواست‌ها، درجای خود درخور تحسین است اما در عین حال باید در نظر داشت که اعتصاب از لحاظ زمانی نامحدود نیست. هر کارگر آگاه و سازمان‌ده، نیک می‌داند که اعتصاب هرچقدر هم طولانی‌مدت باشد اما نمی‌تواند به‌طور نامحدود ادامه یابد. تردیدی در این مسئله نیست که چگونگی آغاز هر اعتصاب و طرح خواست‌ها، یکی از نکات مهم در شکل‌گیری هر اعتصاب آن‌هم از نوع اعتصاب سراسری نفت است. این اعتصاب و ادامه آن، رشد و ارتقاء آگاهی سیاسی و سازمان‌یابی در صفوف زحمتکش‌ترین کارگران نفت را اثبات

پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر

دستاوردها و چشم‌انداز اعتصاب سراسری در نفت

کرد و شمه‌ای از اتحاد و قدرت کارگران نفت را به نمایش گذاشت. اعتصاب نفت بسیار خوب و هوشیارانه و بر پایه خواست‌های منطقی کارگران آغاز شد و خوبتر و هوشیارانه‌تر از آن، ادامه یافت. مهم فقط آغاز اعتصاب نبود و نیست، مهم‌تر از آن ادامه اعتصاب و این هست که اعتصاب، وقتی که به موانع و مشکلات و محدودیت‌ها برخورد می‌کند، بتواند آن را از پیش پای خود بردارد. اعتصاب اخیر نفت، از پس این موضوع بسیار مهم نیز برآمد و تقریباً تمام دسیسه‌های پیمانکاران و "گروه پایبندگ" و وزارت کار و عوامل ریزودرشت آن‌ها برای تقلیل خواست‌ها و پایان زود هنگام و بدون نتیجه اعتصاب را خنثی ساخت. نیاز به توضیح نیست اعتصابی که یک روز آغاز شده و با قدرت ادامه پیدا کرده، یک روزی هم باید به پایان برسد. اما بسیار بسیار مهم است که اعتصاب چگونه پایان بگیرد و کارگران در چه شرایطی به کار بازگردند. می‌توان گفت که چگونگی پایان اعتصاب حتی از چگونگی آغاز و ادامه اعتصاب نیز مهم‌تر است. اکنون در پنجاهمین روز اعتصاب، این موضوع به یکی از مشغله‌های اصلی کارگران آگاه نفت و "شورای سازمان‌دهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت" که از آغاز این اعتصاب تاکنون نقش فعال و رهبری اعتصاب را داشته‌اند تبدیل شده است. "شورای سازمان‌دهی" که شناخت دقیق‌تری نسبت به شرایط موجود برای ادامه اعتصاب دارد و موانع و مشکلات موجود را از نزدیک دنبال می‌کند، به‌درستی کارگران را بارها به مداخله‌گری فعالانه، اتخاذ تصمیمات جمعی و ایفای نقش در چندچون پایان (یا ادامه) اعتصاب دعوت نموده است. این موضوع زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که می‌بینیم برخی از کارفرمایان و پیمانکاران، با پذیرش پاره‌ای از خواست‌های کارگران، خواهان پایان اعتصاب و بازگشت به کار آن‌ها شده‌اند. کارگران باید در این مورد تصمیم بگیرند. در همین رابطه "شورای سازمان‌دهی" می‌نویسد: "هم‌اکنون بحث چگونگی ادامه اعتصاب و شروط مذاکره و انتخاب نمایندگان واقعی خود برای مذاکرات در پیش مطرح است. پیمانکاران با برخی از همکاران تماس گرفته‌اند و پیشنهادهایی داده‌اند. بلاخره چه کسی باید تصمیم بگیرد که چه باید کرد و چه جوابی باید داد؟ یا جمع شدن و بحث و فحص می‌توانیم تصمیمات درست‌تری بگیریم" (تاکید از ماست)

از نیازهای مبرم و بسیار مهم لحظه کنونی اعتصاب نفت، انتخاب نمایندگان واقعی و مداخله فعال آن‌ها در طرح و پیگیری خواست‌ها و در صورت پذیرش آن از سوی کارفرما، پایان موفقیت‌آمیز اعتصاب است. این اقدام فوق‌العاده مهمی است که نه‌فقط در لحظه فعلی می‌تواند اعتصاب را بر وفق نظر کارگران و خرد جمعی به سرانجام برساند، بلکه می‌تواند نقش مهم و سازمان‌گرانه ای در تمام اعتراضات و

اعتصابات بعدی نفت که همه شواهد حاکی از گسترش آن است، ایفا کند. دعوت به دخالت‌گری بیشتر و فعالانه‌تر کارگران آگاه و پیشرو در واحدهای مختلف، انتخاب نمایندگان واقعی که با تکیه به خرد جمعی بتوانند با دفاع از منافع کارگران، دست‌کم با ۴ خواستی که در بیانیه شماره ۷ "شورای سازمان‌دهی" مورخ ۲۲ تیر ۱۴۰۰ به‌عنوان کف خواست‌های کارگران مشخص شده و در تمام بیانیه‌های بعدی نیز بر آن‌ها تأکید شده است، وارد مذاکره با پیمانکار شوند. اگر این نکته بسیار مهم است که اعتصاب، بی‌موقع و زود هنگام پایان نیابد، به همان نسبت نیز مهم است که پایان اعتصاب، بد موقع نباشد و بیش از اندازه به تأخیر نیفتد. بهترین اعتصاب و موفقیت‌آمیزترین اعتصاب زمانی است که کارگران همه خواست‌های خود را بر کارفرما تحمیل می‌کنند و به اعتصاب پایان می‌دهند. اما ممکن است اوضاع طبق خواست‌ها و آرزوهای ما رقم نخورد و در بسیاری موارد هم‌چنین است و کارفرما همه خواست‌های ما را نمی‌پذیرد. اما کارگران می‌توانند لاقبل بخش‌هایی از خواست‌های خود را بر کارفرما تحمیل کنند. پایان اعتصاب در این حالت شاید ایده آل نباشد اما بهتر از این است که اعتصاب بدون نتیجه پایان گیرد. بدترین حالت زمانی است که توده کارگران نتوانسته باشند هیچ‌یک از خواست‌های خود را بر کارفرما بقبولانند و به هر دلیل، مثلاً فشارهای اقتصادی و معیشتی مجبور شوند به اعتصاب پایان دهند. این، در واقع یعنی شکست اعتصاب. گرچه هر اعتصابی درس‌ها و تجارب و دستاوردهایی برای کارگران دارد حتی اعتصابی که باشکست روبرو می‌شود، اما در هر حال خیلی روشن است که کارگران آگاه و سازمانده نباید اجازه دهند کار به اینجا کشیده شود. کارگران پیشرو و رهبری کننده اعتصاب، از اینکه کارفرما تا کجا حاضر است عقب‌نشینی کند و همچنین نیروی اعتصاب تا چه زمانی در صحنه هست و می‌تواند در صحنه بماند، باید ارزیابی مشخص و تا حد ممکن دقیقی داشته باشند. بسیار مهم و حیاتی است که پیش از فرسود شدن کارگران که تلاش اکثر سرمایه‌داران در برخورد با اعتصاب و بی‌اعتنایی و بی‌پاسخ گذاشتن خواست‌های کارگران اعتصابی، معطوف به همین خسته کردن و فرسوده ساختن کارگران است، و همچنین پیش از ریزش صفوف اعتصاب، دست‌به‌کار شویم و هر طور شده مانع شویم



کارفرما بدترین حالت را بر ما و بر اعتصاب تحمیل کند. تا آنجا که قدرت داریم به اعتصاب ادامه دهیم. زمان پایان اعتصاب را خود باید تشخیص داده و تعیین کنیم و بعد از آن، اعتصابی را که متحدانه آغاز کرده‌ایم ولو با تحقق بخشی از خواست‌ها، تکتک و جداگانه، ترجیحاً به‌طور متحدانه پایان دهیم. پایان دهیم که قوای خویش را ترمیم و تجدید کنیم، صفوف خود را مستحکم‌تر ساخته از نو آرایش دهیم و برای اعتصابات بعدی خود را تجهیز و آماده کنیم. افزون بر تمام این‌ها، اتحاد در صفوف کارگران نفت را باید به سطحی بالاتر از سطح کنونی ارتقا دهیم. ده‌ها هزار کارگر قراردادی و رسمی در صنعت نفت و گاز و پتروشیمی مشغول به کارند که علی‌رغم برخورداری از سطح بالاتر دستمزد (به‌طور نسبی) و مزایا، اما هم‌طبقه‌ای کارگران پیمانی و پروژه‌ای هستند و در برابر طبقه سرمایه‌دار حاکم و دولت حامی آن، در کنار سایر کارگران، طبقه واحدی را تشکیل می‌دهند. برخلاف برخی خرده دیدگاه‌های انحرافی که کارگران را بر مبنای میزان و سطح دستمزد از هم جدا سعی می‌کند در راه اتحاد همه‌ی کارگران نفت سنگ‌اندازی کند، اما خوشبختانه کارگران آگاه پیمانی و پروژه‌ای و "شورای سازمان‌دهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت" بر اتحاد میان کارگران تأکید داشته و تاکنون بارها از مبارزات کارگران رسمی حمایت نموده‌اند. اگر کم‌کاری در این زمینه وجود داشته باشد که دارد، مربوط به کارگران رسمی است که در اتحاد و اعلام پشتیبانی از رفقای کارگر پیمانی و پروژه‌ای هنوز تحریک لازم را از خود نشان نداده‌اند. فراموش نکنیم اعتصاب زمانی می‌تواند به نحو سریع و مؤثری کارفرمایان و کل طبقه حاکم را به‌زانو درآورد که صرف‌نظر از یک‌لایه نازک اشرافیت کارگری در نفت، تمام کارگران اعم از رسمی یا غیررسمی، قرارداد معین یا قرارداد موقت، پیمانی و پروژه‌ای پشت‌به‌پشت هم دهند، بازو در بازوی هم گره زنند و صف واحد و

در صفحه ۵



دستاوردها و چشم‌انداز اعتصاب سراسری در نفت

شکست‌ناپذیری را تشکیل دهند. چهل روز بعد از وعده‌های ششم تیرماه کمیسیون انرژی مجلس در مورد رسیدگی به خواست‌های کارکنان رسمی که منجر به لغو اعتصاب سراسری آن‌ها در ۹ تیر شد، چنانکه پیش‌ازین نیز روشن بود، به‌جز حذف محدودیت افزایش دو میلیون و پانصد هزار تومانی (۱)، هیچ‌یک از خواست‌های آن‌ها عملی نشده است. کارکنان رسمی نفت، مطابق اطلاعیه شماره ۲۶ مورخ ۲۲ تیر ۱۴۰۰ که هشدار و اولتیماتوم داده بودند اگر خواست‌هایشان برآورده نشود، دوباره وارد میدان مبارزه می‌شوند و دست به اعتراض و اعتصاب خواهند زد، سلسله تجمعات و اعتصابات را در برخی واحدها آغاز نموده‌اند که از جمله می‌توان به تجمع اعتراضی کارکنان عملیاتی شرکت نفت فلات قاره شاغل در سکوی عملیاتی فروزان، پرسنل منطقه بهرگان، پرسنل خشکی فلات قاره و سکوی ابوز در ۸ مرداد، تجمع اعتراضی کارکنان عملیاتی شرکت نفت فلات قاره شاغل در منطقه عملیاتی لاوان در تاریخ دهم مرداد، تجمع کارکنان عملیات شاغل در سکوی بهرگانسر و اعتصاب کارکنان پالایشگاه نفت لاوان و قشم در یازده مرداد ۱۴۰۰ اشاره نمود. کارکنان سکوی گازی POGC نیز در نامه‌ای مورخ ۱۶ مرداد خطاب به مدیرعامل شرکت نفت و گاز پارس هشدار داده‌اند اگر مطالبات معوقه آنان در فیش حقوقی مردادماه نیاید از ۳۱ مرداد مجدداً اعتراضات خود را از سر خواهند گرفت.

کارگران پروژه‌های و پیمانی نفت که همواره از اعتراضات و خواست‌های همکاران رسمی خود حمایت کرده‌اند، در تمام موارد فوق نیز چنین کردند و از هم‌اکنون پشتیبانی خود را از خواست‌ها و اعتراضات همکاران خویش در سکوهای گازی اعلام کرده‌اند. قدرت کارگران در اتحاد و همبستگی کارگران است. تکه‌تکه کردن و جداسازی کارگران و ایجاد نفاق و دوستی سیاست طبقه سرمایه‌دار حاکم است که باید در برابر آن ایستاد و آن را خنثی کرد. همه‌ی ما باید از تجارب ارزشمند یک‌ساله مبارزات و اعتصابات در نفت بیاموزیم، خود را متشکل سازیم، صفوف خود را متراکم‌تر و اتحاد خود را مستحکم‌تر سازیم و برای نبردهای بزرگ آماده شویم.

زیر نویس

۱ - مجلس در بودجه ۱۴۰۰ تصمیم گرفت سقف افزایش حقوق برای کارکنان دولتی در سال جاری ۲۵ درصد باشد، مشروط بر آنکه این ۲۵ درصد از ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان بالاتر نرود که در اثر اعتراضات کارکنان نفت، این شرط حذف شده است.

پیکت پنجشنبه‌های اعتراضی در ونکوور

طبق فراخوان کارزار ونکوور، دومین پیکت اعتراضی در تاریخ ۵ آگوست ۲۰۲۱ که علیه نظام جمهوری اسلامی و در حمایت از اعتصابات کارگری، در نفاق از مبارزات زحمتکشان خوزستان و دیگر شهرهای ایران بود، در مرکز شهر ونکوور برگزار شد. این پیکت اعتراضی تا اطلاع ثانوی هر هفته پنجشنبه‌ها از ساعت ۶ تا ۷ بعدازظهر برگزار خواهد شد. فعالین سازمان فدائیان



(اقلیت) ونکوور- کانادا و دیگر نیروهای چپ و کمونیست و فعالین کارگری شهر ونکوور در این حرکت‌های اعتراضی نقش فعال دارند.

پیروز باد مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
برقرار باد حکومت شورائی
فعالین سازمان فدائیان (اقلیت) ونکوور- کانادا
۶ آگوست ۲۰۲۱

گزارش کوتاهی از آکسیون روز سه‌شنبه ۳ اوت در هامبورگ



روز سه‌شنبه ۳ اوت ۲۰۲۱، آکسیون در شهر هامبورگ برگزار شد. این آکسیون به فراخوان «شورای فعالین سوسیالیست و آزادیخواه هامبورگ»، حزب کمونیست ایران حوزه هامبورگ و «فعالین سازمان فدائیان (اقلیت)- هامبورگ» در حمایت و همبستگی با اعتصابات و اعتراضات زحمتکشان ایران انجام شد. در این مراسم رفقای مستقل ایرانی و رفقای از حزب MLPD آلمان با ایراد سخنانی همبستگی طبقاتی خود را با کارگران ایران اعلام کردند.

کرکسان جمهوری مرگ به تماشای مرگ مردم نشست‌اند

پای فشرده‌اند و پای می‌فشارند. آنان در هر بزنگاهی فریاد «مرگ بر جمهوری اسلامی» را سر می‌دهند، تا باشد زمانی نه چندان دیر، به حیات رژیمی خاتمه دهند که برای آنان جز فقر و استثمار و تبعیض و آزادی‌ستیزی و سرکوب و مرگ و بیماری ره‌آوردی نداشته است. باشد زمانی نه چندان دور که تمام سران و مسئولان رژیم را به جرم «جنایت علیه بشریت» به محاکمه کشند.

چرا که:

ما مردمیم
می‌دانیم چگونه امید را با دارو
درهم بیامیزیم
چگونه به پا خیزیم
زندگی کنیم
و باز بیاییم
طعم نمک خاک و آفتاب را... (ناظم حکمت)

اقدامات آنان در ماه‌های گذشته نه در جهت کاهش دامنه بیماری بلکه در راستای شیوع و گسترش هر چه بیشتر آن تا دورافتاده‌ترین نقاط کشور بوده است. چنین کارکرد و روندی را تنها می‌توان یک «جنایت سازمان‌یافته، سیستماتیک و آگاهانه» علیه مردم ایران نامید. جنایتی که تا به امروز به مرگ نزدیک به صد هزار تن از مردم ایران و تحمل عواقب ابتلا به این ویروس خطرناک برای ده‌ها هزار تن از مردم ایران در آینده انجامیده است. جنایت وقیحانه‌ی دیگری ناشی از هراس از توده‌های معترض، با هدف به سکوت واداشتن آنان. جنایتی ناشی از هراس کرکسان تشنه خون مردم؛ مردمی که زمانی در خیابان‌ها با گلوله به خاک و خون کشیده می‌شوند و زمانی دیگر با رها کردن افسار و ویروسی مهلک جان می‌سپارند.

در گفته این نماینده ارتجاع حقیقتی یافت نمی‌شود، چرا که توده‌های مردم ایران «دچار خستگی، کاهش حساسیت و انگیزه» نشده‌اند. آنان در هر فرصتی، در اعتراضات فضای مجازی، در اعتراضات فضای واقعی، در گفته‌ها و گزارش‌ها، در کلیپ‌ها و نظرسنجی‌ها همواره بر خواست «واکسیناسیون سریع رایگان و همگانی»



بحران تشدید می شود، کاری از جلد مردم ساخته نیست

اقتصاد، خشکاندن ریشه های فساد و رانت خواری، مهار تورم و گرانی، تقویت ارزش پول ملی و بازگرداندن ثبات به اقتصاد کشور" تاکید کرد و گفت: مردم از ما می خواهند که به وعده خود مبنی بر دولت عدالت گستر و فساد ستیز و تبعیض گریز، دغدغه مند و برنامه محور و علم خواه، اندیشه پیشه کنیم".

قصاب زندانیان سیاسی در زندان های اوین و گورهدشت، در مراسم تحلیف خود با غنیمت شمردن از حضور "میهمانان خارجی" به صورت گذرا به موضوع حقوق بشر هم اشاراتی کرد و گفت: مردم از ما می خواهند مدافع حقوق انسان ها در مورد رعایت حقوق بشر در عالم باشیم... ما مدافع واقعی حقوق بشر و حقوق انسان هستیم و سکوت در برابر ظلم و جنایت و تجاوز به حقوق انسان های بیگناه و بی دفاع را قبول نداشته و مردود می دانیم". رئیس در مورد حقوق اجتماعی مردم نیز تنها به یک جمله بسنده کرد و گفت: مردم از ما می خواهند، آزادی های اجتماعی و فرهنگی [نه آزادی سیاسی] آنها مجدانه پیگیری شود". اینکه قصاب توده های مردم ایران با وقاحت کم نظیری اعلام کند، مدافع واقعی حقوق بشر است، اینکه کسی همانند رئیسی که طی ۴۰ سال بجز اعدام و کشتار و مرگ، کار دیگری بلد نبوده است، اکنون با وقاحت تمام مدعی دفاع از حقوق انسان شود، این نشان از تخته شد وقاحت و شرم در کل نظام جمهوری اسلامی است.

لاف زنی های رئیسی آنچنان آشکار بود، که حتا خامنه ای نیز به آن واکنش نشان داد. از آنجا که خامنه ای بیش از هرکسی بر ناممکن بودن حل بحران های اقتصادی و معضل معیشتی مردم واقف است، از آنجایی که سیاست خامنه ای همواره لاپوشانی معضلات نظام است، و نیز از آنجایی که خامنه ای به خوبی می داند دود عدم اجرای وعده های توخالی رئیس جمهور منصوب او، اینبار بیش از هر کسی به چشم خود او خواهد رفت، لذا، به محض پایان یافتن سخنان رئیسی خطاب به او گفت: نباید هی از کمبودها و مشکلات گفته شود. حل مشکلات اقتصادی زمان بر هست، یک شبه حل نمی شود".

لاف زنی های دروغین ابراهیم رئیسی، چیزی نبود، جز ادامه همان لاف زنی ها و ادعاهایی که هشت سال پیش، حسن روحانی به عنوان کارگزار و جنایتکار دیگری از مجموعه آدمکشان جمهوری اسلامی به زنان، کارگران و توده های مردم ایران وعده داده بود. وعده هایی نظیر بازگرداندن حقوق شهروندی زنان، چرخش اقتصاد، کاهش بیکاری، بهبود معیشتی مردم، تامین امنیت برای توده ها و ده ها مورد دیگر که طی هشت سال مسئولیت فاجعه بار او هیچکدام عملی نشدند. نه تنها عملی نشدند (که البته انتظاری جز این هم نبود)، بلکه اوضاع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و معیشتی مردم از جمیع جهات نسبت به سال های اولیه روی کار آمدن روحانی به مراتب وخیمتر هم شد. حال در یک چنین اوضاعی که بحران های موجود از هر سو

تعمیق یافته اند و جمهوری اسلامی با یک بحران سیاسی تمام عیار دست به گریبان است، ابراهیم رئیسی، رئیس پیشین قوه قضائیه و قصاب ۴۰ ساله مردم ایران با ادعای مبارزه با فساد و حل معضلات اقتصادی و اجتماعی به میدان آمده و می خواهد نه تنها مشکلات مردم راحل کند که جمهوری اسلامی را نیز از فساد و ورشکستگی و رانت خواری و دیگر بحران های ساختاری نجات دهد.

با شنیدن اینگونه ادعاهای رئیسی، برای هر کسی که او را شناسد، این تصور پیش می آید که این فرد از کره مریخ آمده و به دلیل بی اطلاعی از ساختار سیاسی حاکم بر جمهوری اسلامی از خشکاندن ریشه های فساد در درون نظام سخن می گوید، از رونق اقتصادی و مهار تورم حرف می زند، قول تقویت ارزش پول ملی را می دهد، می خواهد رعایت آزادی اجتماعی مردم را پیشه کند و مهمتر اینکه با بی خبری از ژرفای بحران های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی موجود، که ادامه راه حیات جمهوری اسلامی را بسته است، با ادعای فائق آمدن بر انبوه مشکلات ناعلاج کشور، می خواهد "گام دوم انقلاب اسلامی را مستند" سازد.

براستی آیا رئیسی از کره مریخ آمده که با بی خبری از بحران های ناعلاج جمهوری اسلامی و ویرانی حاکم بر جامعه این چنین یاهه گوئی کرده است؟ یا اینکه او از مشکلات ساختاری نظام خبر دارد و برای وظایف دیگری غیر از آنچه وعده هایش را داده در پست ریاست جمهوری گمارده شده است؟ پوشیده نیست او نه از کره مریخ آمده و نه از بحران های ناعلاج جمهوری اسلامی بی خبر است. آنچه باید به آن توجه کرد این است که رئیسی نیامده تا مشکلی از مشکلات مردم را حل کند. نیامده تا نان بر سفره مردم بیاورد. نیامده تا گرانی را مهار کند. نیامده تا به مرگ و میر حاصل از کرونا پایان دهد. هیئت حاکمه ایران با انتصاب او در پست ریاست جمهوری و بر بستر یکدست کردن دستگاه اجرایی با دو نهاد قضایی و قانونگذاری می خواهد حتا به صورت موقت هم که شده با تشدید سرکوب و کشتار و اختناق، اضمحلال و سقوط محتوم جمهوری اسلامی را برای چند صباحی دیگر به عقب بیاورند. لذا، با توجه به پیشینه ابراهیم رئیسی و بحران سیاسی حاکم بر کل کشور اگر کسی ادعاهای او را نه فقط در مورد حل معضلات مردم، بلکه در حد همان ناجی نظام جمهوری اسلامی هم جدی بگیرد، یا خود از کره مریخ آمده و بی خبر از اوضاع بحرانی کشور است، یا انسانی نا آگاه و یا فردی مزدور و مشاطه گر از قماش مجموعه مزدوران جمهوری اسلامی است که برای بقای این رژیم مستبد و سرکوبگر، چشم امید به آدمکش منفوری همچون ابراهیم رئیسی بسته است.

ابراهیم رئیسی به عنوان کسی که ۴۰ سال آدم کشته است، ۴۰ سال مرتکب قتل و جنایت شده است، ۴۰ سال با نشستن بر صندلی قضاوت، حکم به کشتار مردم معترض داده است، به

عنوان کسی که در تابستان ۶۷، در سکوت هیئت مرگ منتخب خمینی جلد، چندین هزار زندانی سیاسی را به اتاق مرگ فرستاد، نه تنها از کره مریخ نیامده، نه تنها از مشکلات و بحران های عدیده جمهوری اسلامی بی خبر نیست، بلکه عمیقاً به شرایط ورشکستگی نظام و بحران های ژرف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حاکم بر جامعه آگاه است.

برای اثبات این ادعا، بهتر است مشکلات و ژرفای بحران های حاکم بر جمهوری اسلامی را از زبان خود او بشنویم. رئیس در مراسم تنفیذ خود در مقابل خامنه ای اعلام کرد: شرایطی و وضعیتی که در آن قرار داریم، مانند تورم ۴۴ درصدی، رشد نقدینگی ۶۸۰ درصدی در این سال ها، بدهی های دولت که از [سال] ۹۴ سه برابر شده، مشکلات بسیاری که در زندگی مردم اثر گذاشته و علاج کردن وضعیت کسری بودجه ۴۵۰ هزار میلیاردی، وضعیت مردم را وضعیت نامناسبی کرده است. هم به دلیل دشمنی دشمنان اسلام و هم به دلیل کاستی ها و مشکلاتی که در درون داشتیم، وضعیت امروز را وضعیت مناسب نمی دانیم". (تاکید از ما است)

وجود همین مقدار از معضلات و مشکلات کنونی نظام و جامعه که رئیسی چشم در چشم خامنه ای به آن اشاره کرد، به خوبی نشان می دهد که ادعاهای او برای رهایی از وضعیت موجود تا چه حد بدور از واقعیت است. اگر این بحران ها قابل حل بودند، دست کم در دوران هشت ساله روحانی که بحران ها از ژرفای کمتری هم برخوردار بودند، لااقل می بایست اندکی تعدیل می شدند، نه اینکه شدت یابند. حال در چنین شرایطی که کشتی جمهوری اسلامی یکسره به گل نشسته، رئیسی با یکسری وعده های دروغین می خواهد کشتی به گل نشسته رژیم را به حرکت درآورد. شرایط کنونی جامعه به کلی با سال های گذشته متفاوت است. اکنون جامعه در تب و تاب یک تحول اجتماعی است. بحران انقلابی سراسر کشور را فرا گرفته است. توده های مردم ایران دیگر تحمل وضعیت موجود را ندارند و با حضور اعتراضی در کف خیابان ها، خواهان تغییر انقلابی این شرایط هستند. خواست مردم در تغییر وضعیت موجود آنچنان آشکار است که حتا ابراهیم رئیسی نیز در دو مراسم تنفیذ و تحلیف خود بر آن اذعان کرده است. هر چند میان تغییر وضعیتی که کارگران و مردم ایران در پی آن هستند، با تغییر وضعیت مورد ادعای ابراهیم رئیسی، تفاوت از زمین تا آسمان است. رئیسی خواست مردم در تغییر وضعیت موجود را در چهارچوب همین نظام تعبیر کرده است، در حالی که توده های مردم ایران با خیزش انقلابی دیماه ۹۶، قیام آبان ۹۸ و تظاهرات خیابانی هفته های اخیر در شهرهای بیش از ۱۵ استان کشور، این تغییر وضعیت را با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی فریاد کرده اند. پیشینه رئیسی، مجموعه شرایط متلاطم جامعه همراه با وضعیت انقلابی، حضور اعتراضی مردم در کف خیابان ها و گسترش اعتصابات کارگری هرگز به رئیسی فرصت نخواهد داد تا با طرح ادعاهای کذایی خود، کارگران و توده

اقدامات ماجرا جویانه‌ای که برای جمهوری اسلامی نتایج معکوس به همراه آورد

و مدیریت شرکت اسرائیلی "زودیاک" قرار داشته و با پرچم لیبریا در حرکت بود، در آب‌های نزدیک به ساحل کشور عمان با پهپاد مورد حمله قرار گرفت و دو خدمه انگلیسی و رومانیایی آن کشته شدند. به گفته‌ی خدمه کشتی یک روز قبل تر (۲۹ ژوئیه برابر با ۶ مرداد) نیز دو پهپاد کشتی را مورد حمله قرار داده بودند که این حملات ناموفق بوده و پهپادها در دریا سقوط کرده بودند.

دولت اسرائیل بلافاصله جمهوری اسلامی را عامل این حمله اعلام کرد. سپس دولت‌های لیبریا، رومانی و انگلیس با ارسال گزارشی از این واقعه به شورای امنیت سازمان ملل، خواستار بررسی این حمله شده و انگشت اتهام را به سوی ایران نشانه رفتند. دولت آمریکا نیز از موضع این کشورها حمایت کرده و جان کربی سخنگوی وزارت دفاع آمریکا گفت "آمریکا با متحدان خود پاسخ هماهنگی به اقدام دولت ایران خواهد داد" وی در توضیح این پاسخ هماهنگ گفت: "پاسخ هماهنگ الزاما به معنای پاسخ نظامی نیست. روشن است که ما تعهدات فراوانی نسبت به امنیت در منطقه داریم ولی من وارد جزئیات پاسخ هماهنگ نمی‌شوم".

روز دوشنبه نفتالی بنت نخست‌وزیر دولت اسرائیل در ادامه تهدیدات علیه دولت ایران خطاب به مقامات جمهوری اسلامی گفت: "دورانی که منطقه را به آتش بکشید و خود در تهران آسوده بنشینید به سر آمده است"، او گفت: "اسرائیل جامعه جهانی را در این ماجرا بسیج می‌کند اما می‌تواند خود نیز مستقلا اقدام کند". در همین روز آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا نیز در سخنان خود حمله به نفتکش را کار جمهوری اسلامی دانست و بار دیگر تاکید کرد که دولت آمریکا در هماهنگی با دولت‌های انگلیس، اسرائیل، رومانی و دیگر کشورها پاسخی جمعی به جمهوری اسلامی خواهد داد.

هنوز آتش ماجراجویی جمهوری اسلامی فروکش نکرده بود که جمهوری اسلامی دست به ماجراجویی دیگری زد و تلاش نمود تا یک کشتی حمل آسفالت با نام "آسفالت پرنسس" را که با پرچم پاناما در دریای عمان به سمت تنگه هرمز در حالت حرکت بود، روز سه شنبه ۱۲ مرداد برباید.

وبسایت "ارگوس مدیا" براساس فایل مکالمات گارد ساحلی امارات متحده عربی و کارکنان کشتی "آسفالت پرنسس" اعلام کرد که تعدادی ایرانی به قصد ربودن کشتی وارد آن شده بودند. روزنامه تایمز نیز به نقل از منابع دولتی بریتانیا ضمن تایید این موضوع نوشت "خدمه کشتی موتورهای آن را از کار انداختند تا نتواند حرکت کند، سپس کشتی‌های جنگی آمریکا و عمان رسیدند و نیروهای ایرانی سوار بر قایق‌های خود شده و رفتند". همچنین "بیزینس اینسایدر" از یک مقام دولت آمریکا نقل کرده است که "افراد مسلحی که لباس گارد ساحلی ایران را بر تن داشتند، پس از آن‌که به زور وارد کشتی شدند، به ضرب و شتم خدمه و تخریب تجهیزات کشتی پرداختند و پس از هفت ساعت شیئی را از کشتی

برداشته و از آن خارج شدند... هواپیمای ما از افراد مسلح ایرانی که وارد کشتی شده بودند، عکسبرداری کرد".

تلاش ناموفق نیروهای سپاه پاسداران برای ربودن یک کشتی، به هر دلیلی که بود، فشار بر دولت جمهوری اسلامی را افزایش داد. روز چهارشنبه ۱۳ مرداد، وزرای خارجه و دفاع اسرائیل جلسه‌ای با نمایندگان کشورهای عضو شورای امنیت سازمان ملل برگزار کردند و ضمن بیان این‌که "دولت ایران برای تولید سلاح هسته‌ای تنها ۱۰ هفته فرصت نیاز دارد"، با ارائه اسنادی دولت ایران و به طور مشخص دو تن از فرماندهان سپاه را به‌عنوان عامل مستقیم حمله پهپادی به کشتی "ام وی مرسر استریت" اعلام کردند. آن‌ها با بیان این‌که "ایران تمامی بندهای اجرایی توافق هسته‌ای موسوم به برجام را نقض کرده است" خواستار اجرای تحریم‌های بیشتری علیه دولت ایران شدند. تنها ساعتی پیش از آن، سفیر اسرائیل در سازمان ملل، نامه رسمی شکایت علیه دولت ایران را به دبیرخانه سازمان ملل ارائه کرده بود. او با حضور در نشست شورای امنیت گفت: "ایران ثبات منطقه را تهدید می‌کند، ایران را تحریم کنید".

محاصره دیپلماتیک دولت ایران از سوی دولت اسرائیل که با همراهی دولت‌های آمریکا، انگلیس و رومانی همراه شده بود، جمهوری اسلامی را وادار به واکنش انفعالی کرد. فرماندهان سپاه پاسداران یکی پس از دیگری هرگونه دخالت سپاه را در ماجرای حمله پهپادی و تلاش برای ربودن نفتکش رد کردند. سپاه پاسداران در بیانیه‌ای که در وبسایت خود منتشر کرد نوشت: "براساس اطلاعات نیروهای امنیتی، نیروهای مسلح ایران و کلیه شاخه‌های مقاومت اسلامی در خاورمیانه هیچ نقشی در حادثه خلیج عمان نداشته‌اند".

روز چهارشنبه ۱۳ مرداد زهرا ارشادی سفیر و معاون نمایندگی دائم جمهوری اسلامی در سازمان ملل در نامه‌ای به رئیس شورای امنیت گزارش سه دولت انگلیس، رومانی و لیبریا در رابطه با نقش دولت ایران در حمله پهپادی را رد کرد. در همین روز محسن بهاروند نیز که به‌تازگی به‌عنوان سفیر دولت ایران در انگلیس تعیین شده با ارسال نامه‌ای به دبیرکل سازمان بین‌المللی دریانوردی (ایمو) که در لندن مستقر است، ضمن رد نقش ایران در حمله پهپادی به نفتکش نوشت: "رفتارهای ماجراجویانه و مغرضانه تعداد خاصی از کشورها، با زبانی آمیخته با زور و تهدید، علیه جمهوری اسلامی، نه تنها نافرصت اصل عدم توسل به زور بر مبنای منشور سازمان ملل متحد می‌باشد، بلکه امنیت دریانوردی بین‌المللی را در درازمدت در منطقه به خطر می‌اندازد".

مشخص بود که جمهوری اسلامی در موضعی کاملا دفاعی قرار گرفته و با این پاسخ‌ها کسی راضی نخواهد شد. روز جمعه وزرای خارجه گروه هفت متشکل از آمریکا، انگلیس، آلمان، فرانسه، ایتالیا، کانادا و ژاپن با انتشار بیانیه‌ای اعلام کردند "همه شواهد موجود به‌وضوح حاکی

از دست داشتن ایران در حمله به نفتکش مرسر استریت است... رفتار ایران در کنار حمایت این کشور از نیروهای نیابتی و بازیگران غیردولتی مسلح، صلح و ثبات بین‌المللی را تهدید می‌کند".

در همین روز و در نشست شورای امنیت سازمان ملل، نمایندگان دولت‌های انگلیس، فرانسه، آمریکا، نروژ، ایرلند و استونی موضوع حمله به نفتکش "ام وی مرسر استریت" را مطرح کرده و نماینده انگلیس شواهد و مدارک دخالت جمهوری اسلامی در حمله به نفتکش را به شورای امنیت ارائه داد. نماینده انگلیس در سازمان ملل بعد از تحویل مدارک به شورای امنیت در دیدار با خبرنگاران گفت: "ارزیابی ما که بر اساس جمع آوری بقایای به دست آمده از حمله به کشتی مرسر استریت است، نشان می‌دهد سیستمی که در این حمله از آن استفاده شده همان است که در پهپاد شاهد ۱۳۶ بکار رفته و این نوع پهپاد تنها در ایران ساخته می‌شود". وی گفت: "بریتانیا می‌داند که ایران مسئول این حمله است. ما می‌دانیم این حمله عمدی و حساب شده بود. فعالیت‌های ایران و حمایت این کشور از نیروهای نیابتی و شبه نظامیان، صلح و امنیت بین‌المللی را تهدید می‌کند. بریتانیا از ایران می‌خواهد تا این فعالیت‌ها را متوقف کند". وی همچنین از بررسی این موضوع در نشست روز دوشنبه نهم اوت (۱۸ مرداد) شورای امنیت که در رابطه با امنیت کشتیرانی و به ریاست نارندرا مودی نخست‌وزیر هند برگزار می‌شود، خبر داد. زهرا ارشادی سفیر و معاون نماینده دائم جمهوری اسلامی در سازمان ملل متحد در واکنش به اسناد ارائه شده از سوی انگلیس و پس از اظهارات نماینده انگلیس در جمع خبرنگاران، در میان خبرنگاران حاضر شده و با بیان این‌که "ما الان سخنان تحریف‌شده‌ای را درباره حادثه کشتی مرسر استریت شنیدیم"، بدون اشاره مشخص به اسناد ارائه شده، بار دیگر هرگونه دخالت جمهوری اسلامی را به‌طور کلی رد کرد و مانند سایر مقامات جمهوری اسلامی اسرائیل را عامل بی‌ثباتی در منطقه دانست.

البته جمهوری اسلامی سعی کرد از طریق "حزب‌الله لبنان" نیز فشار را بر اسرائیل افزایش دهد و روز چهارشنبه ۱۳ مرداد تعدادی راکت از جنوب لبنان به سمت اسرائیل شلیک شد. اگرچه هیچ گروهی مسئولیت این حمله را نپذیرفت، اما همگان می‌دانستند که تنها حزب‌الله می‌تواند پشت این حمله باشد. در پی این حمله راکتی، دولت اسرائیل نیز ضمن استفاده از آتش توپخانه، با هواپیمای جنگی مناطقی را در جنوب لبنان بمباران کرد.

این اولین بار بود که پس از جنگ ۳۳ روزه، دولت اسرائیل با استفاده از هواپیمای جنگی مناطقی از لبنان را بمباران می‌کرد. پس از این واقعه حزب‌الله لبنان ۲۰ راکت به سمت اسرائیل شلیک کرد و این بار به بهانه‌ی پاسخ به حمله هواپیماهای جنگی اسرائیل، مسئولیت حملات راکتی را پذیرفت. از وقایع قابل ذکر در این رابطه مخالفت و ممانعت ساکنان شهرک "شویا"

بحران تشدید می شود، کاری از جلا مردم ساخته نیست

های مردم ایران را به سراب انتظار بکشاند. اگر برای روحانی چند سال زمان لازم بود تا توده های مردم ایران به پوچی ادعاهای او واقف شوند، برای ابراهیم رئیسی هرگز چنین فرصتی نیست و نخواهد بود. ابراهیم رئیسی به عنوان رئیس جمهوری منتصب و سوگلی خامنه ای خوب می داند که خود و کابینه اش، از ابتدا ناتوان و شکست خورده متولد شده اند و دوران ماه عسل رئیسی چندان به درازا نخواهد کشید. این ناتوانی و شکست خوردگی رئیسی را می توان در عدم اشاره او به شرایط مرگبار اپیدمی کرونا، مهار این ویروس و نیاز لحظه ای مردم ایران به واکسیناسیون فوری، رایگان و همگانی دید. سکوت محض ابراهیم رئیسی در باره شرایط مرگبار ویروس کرونا، انجام واکسیناسیون و جلوگیری از کشتار روزانه مردم که این روزها طبق همان آمارهای جعلی حکومتی به بیش از ۵۰۰ نفر در روز رسیده است، نشانه روشنی از مرده به دنیا آمدن کابینه جدید است. پاسخگویی به شرایط مرگبار کرونا، همانند ادعای مبارزه با فساد نیست که در پیچ و خم گذر زمان به فراموشی سپرده شود. انجام واکسیناسیون فوری، رایگان و همگانی، همانند ادعای مبارزه با تورم و گرانی و حل بحران اقتصادی کشور نیست، که احتیاج به سال ها زمان داشته باشد. بحران کرونا، از جمله بحران هایی است که می بایست از ماه ها پیش مهار می شد، که نشد. اینکه ابراهیم رئیسی در دو مراسم تنفیذ و تحلیف با سکوت مطلق از کنار پاندمی کرونا گذشت، اینکه رئیسی کمترین وعده ای در مورد مقابله با این ویروس مرگبار نداد، نشان از شکست خوردگی قصاب مردم در همین ابتدای کار است. از مجموعه ادعای رئیسی، تنها وعده ای که نیاز به زمان نداشت و با کمترین تاخیر و بی توجهی نسبت به انجام آن، دوران ماه عسل این رئیس جمهور منصوب و سوگلی خامنه ای به سر می رسید، وعده مقابله با کرونا، سرعت بخشیدن به واکسیناسیون و جلوگیری از مرگ صدها نفر در روز بود، که رئیسی به عمد و آگاهانه از ورود به آن پرهیز کرد. همه این واقعیات موجود به روشنی نشان می دهند که با آمدن رئیسی نه تنها باری از دوش مردم برداشته نمی شود، نه تنها بحرانی از مجموعه بحران های نظام حل نخواهد شد، بلکه شرایط برای مردم بدتر و بحران های جمهوری اسلامی نیز تشدید خواهد شد. بحران حاکم بر جمهوری اسلامی یک بحران سیاسی-انقلابی تمام عیار است. بحران سیاسی-انقلابی نیز راه حل سیاسی می طلبد. چنین بحرانی تنها با گسترش مبارزات علنی مردم، گسترش اعتصابات کارگری، بر پای اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه توده ای برای تحقق یک انقلاب اجتماعی حل خواهد شد. انقلابی که رژیم جمهوری اسلامی را سرنگون می کند و با استقرار حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان، تمام نظم ضد انسانی و استثمارگراییانه موجود را بر می چیند.

اقدامات ماجرا جویانه های که برای جمهوری اسلامی نتایج معکوس به همراه آورد

برخی از عرصه ها منفعت بسیاری برای قدرت های امپریالیستی غربی داشته است. اکنون هم همانطور که جان کربی سخنگوی وزارت دفاع آمریکا گفت هیچ اقدام نظامی قرار نیست علیه جمهوری اسلامی صورت گیرد. دولت آمریکا دنبال این است که از تنش های اخیر برای تحت فشار قراردادن جمهوری اسلامی برای تمکین به خواست های خود بهره ببرد و در این راه همراهی کامل دولت های اروپایی را نیز با خود دارد. در این میان فشار اسرائیل با توجه به رابطه ای خوب این دو دولت نیز مشکل می کند، اگرچه آن ها بدون تردید از حمایت از جمهوری اسلامی دست بر نمی دارند اما باعث فشار این دولت ها به جمهوری اسلامی برای "متعادل کردن" سیاست های منطقه ای آن می شود. چرا که چین و روسیه (بویژه چین) از تنش آفرینی جمهوری اسلامی در منطقه سودی نمی برند. امپریالیسم چین به دنبال افزایش سهم خود از بازار جهانی است و برخلاف امپریالیسم آمریکا نقش چندان در صادرات اسلحه ندارد. چین همچنین با تنش هایی که می تواند بر بهای نفت بیافزاید مخالف است، اما آمریکا به عنوان صادرکننده نفت مشکل چندان با این مساله ندارد.

بنابراین می توان نتیجه گرفت که جمهوری اسلامی از همه سو در رابطه با سیاست های خارجی خود تحت فشار است و به جز مواردی محدود و خاص که با روسیه همراه است، هیچ متحد مهمی در این عرصه ندارد. البته ناگفته نماند که دولت اسرائیل همواره حملاتی را حتا از داخل خاک ایران به مراکز اتمی جمهوری اسلامی داشته و بارها به کشتی های جمهوری اسلامی در آب های آزاد حمله کرده است و باز خواهد کرد. این اتفاقی است که می تواند بیافزاید اما چیز جدیدی نیست. به اعتراف جهانگیری تاکنون ۱۲ بار اسرائیل به کشتی های ایرانی حمله کرده است.

ابراهیم رئیسی در حالی سکندار کابینه جمهوری اسلامی شد که در سخنان خود در مجلس در مراسم "تحلیف" عنوان کرد که از هر رامحل دیپلماتیکی برای احیای برجام حمایت می کند که از همان ابتدا با یک معضل بزرگ روبرو شد که کار جمهوری اسلامی را برای امتیازگیری و امتیاز ندادن در مذاکرات برجام سخت تر از گذشته کرده است. مذاکراتی که براساس گفته های مقامات اروپایی یک ماه دیگر ممکن است از سر گرفته شود.

در بخش "حاصیبا" در جنوب لبنان با شلیک راکت توسط حزب الله به سمت اسرائیل از منطقه ای آن ها بود که نیروهای حزب الله را مجبور به ترک منطقه کردند.

واقعیت این است که حزب الله در لبنان با موقعیت دشواری روبرو شده و به شدت در حال از دست دادن موقعیت خود در میان مردم لبنان است. این که حسن نصرالله اعلام کرد "بزودی ایران برای لبنان سوخت از طریق دریا و زمین می فرستد و همه چیز هماهنگ شده" در واقع جزئی از تلاش های حزب الله برای حفظ موقعیت خود در صحنه سیاسی لبنان است. در روزهای گذشته همچنین چند تن از اعضای حزب الله توسط اعضای یک طایفه سنی کشته شدند که حسن نصرالله خواستار تحت تعقیب قرار گرفتن قاتلان شد و گفت حزب الله از هرگونه جنگ داخلی امتناع می کند.

البته این تنها حزب الله لبنان نیست که در وضعیت دشواری قرار گرفته است، واقعیت این است که در سایر کشورها نیز نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی از وضعیت مناسبی برخوردار نیستند. یمن نیز به یکی از معضلات جمهوری اسلامی تبدیل شده و هزینه های زیادی جنگ در یمن مستقیم و غیرمستقیم به جمهوری اسلامی تحمیل می کند. این همه در شرایطی است که جمهوری اسلامی جدا از معضلات شدید مالی، بحران اقتصادی و بحران سیاسی و نارضایتی و اعتراضات روبرو شد توده ای روبروست.

این اولین بار نبود که جمهوری اسلامی برای رسیدن به اهداف سیاسی خود، در منطقه آتش افروزی می کند. برای نمونه جمهوری اسلامی بارها برای باج خواهی اقدام به ربودن کشتی در خلیج فارس و دریای عمان کرده است که آخرین نمونه آن کشتی متعلق به کرمجوبی با هدف دسترسی به پول های بلوکه شده نفت در کرمجوبی بود. حمله پهبادی جمهوری اسلامی به پالایشگاه آرامکو در عربستان سعودی در شهریور ۹۸ یک نمونه دیگر است که به رغم تکذیب همیشگی جمهوری اسلامی، آنتونیو گوترش دبیرکل سازمان ملل براساس تحقیقات انجام شده از سوی کارشناسان این سازمان، اعلام کرد منشاء موشک ها و پهپادهای استفاده شده در حمله به تاسیسات نفتی آرامکو ایرانی بوده اند. برایان هوک رئیس "گروه اقدام ایران" در دولت ترامپ نیز همان زمان این حمله را یک اقدام جنگی از سوی دولت ایران دانست. اما نتیجه چه بود؟ هیچ! هیچ اقدامی در رابطه با ایران صورت نگرفت و البته دلیل دارد.

واقعیت این است که نه دولت ترامپ و نه دولت بایدن و نه دولت های اروپایی هیچ کدام اختلاف اساسی با جمهوری اسلامی ندارند. از سوی دیگر وجود دولتی مانند جمهوری اسلامی نعمت بزرگی برای دولت اسرائیل و سیاست های فرصت طلبانه ای آن برای تحت الشعاع قرار دادن مساله فلسطین بوده و هست. اگر خوب به موضوع نگاه کنیم جمهوری اسلامی حتا در

رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت

عمیق‌تر شدن شکاف در درون طبقه حاکم

کمک‌های مالی

و استثنائی هم بر آن نمی‌توان یافت. اتفاقی که اکنون رخ داده و جناح طرفدار خامنه‌ای ارگان‌های دستگاه دولتی را در کل به تصرف خود درآورده است، یک تصفیه کامل همه گروه‌های رقیب از مهم‌ترین ارگان‌ها و نهادهای دستگاه دولتی است تا گویا در شرایطی که جامعه ایران با یک بحران سیاسی عمیق مواجه است، با حل تضادها در بالا، به شکلی متمرکز با خطر سرنگونی رژیم مقابله کند. اما بر خلاف آنچه که در ظاهر به نظر می‌رسد، این اتفاق، یکدست شدن و غلبه بر تضادها و کشمکش‌ها نیست. این تضادها نه فقط حل‌شدنی نیستند، بلکه نهایت شکافی هستند که در درون طبقه حاکم رخ داده است.

خود این موضوع که یکی از رسواترین جلاخان دوران جمهوری اسلامی در رأس قدرت اجرایی قرار گرفته است، روشن‌ترین دلیل بر بحران حکومت و کشمکش‌های درون طبقه حاکم در دورانی است که توده‌ها برای سرنگونی نظم موجود به پا خاسته‌اند.

به همین حوادث اخیر در جریان خیمه‌شجوی انتخاباتی رژیم که نگاه کنیم، این حوادث بیان چیز دیگری جز اختلافات حاد و شکاف‌های عمیق نبود. کنار زدن تمام گروه‌های رقیب جناح خامنه‌ای، از جمله گروه‌های رنگارنگ موسوم به اصلاح‌طلب، اصول‌گرایان به اصطلاح معتدل از نمونه کارگزاران و حزب اعتدال و توسعه روحانی، اصول‌گرایی از قماش لاریجانی‌ها و یا احمدی‌نژاد و سر و صدایی که بر سر این خیمه‌شجوی در درون خود آن‌ها برپا شد و برای نخستین بار برخی از آن‌ها حتی با اکراه در رأی‌گیری شرکت کردند، نشان‌دهنده شکاف عمیقی است که در درون طبقه حاکم رخ داده است. این گروه‌ها به‌مهر حال، فراکسیون‌هایی از طبقه حاکم را نمایندگی می‌کنند و تا جایی که به بورژوازی بخش خصوصی برمی‌گردد، تقریباً تماماً وابسته به این جریان‌ها هستند. از این‌روست که باید عمیق‌ترین شکاف درونی طبقه حاکم را یکی از عوامل مهم در به قدرت رسیدن رئیس‌جمهوری ارزیابی کرد.

طبیعی است که در شرایط سیاسی کنونی هرچه بن‌بست‌ها و شکست‌های رژیم افزایش می‌یابد، شکاف‌های درونی طبقه حاکم عمیق‌تر شود. هرگز پیش‌ازین سابقه نداشت که خامنه‌ای در پایان دوره ریاست جمهوری یک جناح طبقه حاکم، مسئولیت تمام شکست‌ها را یکجا بر عهده این جناح قرار دهد. آنچه در آخرین نشست کابینه روحانی با خامنه‌ای رخ داد اتفاق بی‌سابقه‌ای بود. روشن است که این اتفاق بازتاب بحران سیاسی موجود و بروز شکاف‌های عمیق در میان طبقه حاکم است. خامنه‌ای کوشید شکست‌های پی‌درپی روحانی در حل بحران‌ها را نه شکست‌های کل طبقه حاکم و رژیم جمهوری اسلامی، بلکه به حساب شکست جناحی بگذارد که راحل نجات جمهوری اسلامی را در چهارچوب سرمایه بین‌المللی و حل تضادهایی می‌داند که مانع مناسبات نزدیک با غرب‌اند. اما برکسی پوشیده نیست که خود وی حتی در همین حد هم راحلی ندارد. اگر گروه‌های مختلف رقیب وی لاف‌ل بر این پندارند که بهبود مناسبات با آمریکا و حلو فصول اختلافات منطقه‌ای می‌تواند راه را بر

صدور سرمایه بین‌المللی و کسب درآمدهای کلان نفتی بگشایند و چنین تصور می‌کنند که از این طریق بحران اقتصادی را حل می‌کنند، خامنه‌ای هیچ راحلی ندارد. او بر این پندار است که اگر مناسبات را با چین و روسیه تقویت کند، مشکلات داخلی و بین‌المللی رژیم حل خواهد شد. اما حتی این جهت‌گیری هم نمی‌تواند تضادها و معضلات بی‌شمار سرمایه‌داری ایران را حل کند. نمی‌تواند با چین قراردادهای ده‌ها میلیارد دلاری ببندد، اما با بحران‌های متعدد در داخل مواجه باشد و یا به کشمکش و درگیری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ادامه دهد، در کشورهای دیگر دخالت کند، از تروریست‌های اسلام‌گرا حمایت نماید و حتی خواهان سرنگونی دولت‌های دیگر باشد.

بنابراین از آنجائی که سیاست وی هیچ چشم‌اندازی برای نجات نظم موجود در برابر طبقه حاکم قرار نمی‌دهد، از سوی فراکسیون‌های رقیب شدیداً زیر فشار قرار گرفته است. در نتیجه همین فشارها و اختلافات است که اخیراً مباردت به انتشار کلیبی کرد تا گروه‌های رقیب خود را قانع کند که حتی رفسنجانی به عنوان فرد شاخص جانبدار خط مشی آن‌ها در برابر سیاست‌های وی حرفی نداشت. اما با این حرف‌ها که نمی‌شود با تضادها و شکاف‌ها مقابله کرد. بالعکس زیر فشار بحران‌های لاینحل کنونی، تضادهای درونی طبقه حاکم جبراً تشدید خواهد شد. گذشته از این‌که از درون همین دارو دسته طرفداران خامنه‌ای به‌زودی اختلافات و کشمکش‌ها سر برمی‌آورد، از آنجائی که خامنه‌ای با تصفیه اخیر جناح‌های دیگر، منافع اقتصادی و سیاسی آن‌ها را به خطر انداخته است، قطعاً واکنش‌هایی را در پی خواهد داشت که می‌تواند بحران‌های رژیم را باز هم تشدید کند.

نه تصفیه‌های سیاسی درونی و نه ایجاد تمرکز در دستگاه دولت، نه این یا آن بلوک امپریالیستی، هیچ‌یک نمی‌تواند مشکلی از مشکلات بی‌شمار رژیم را حل کند. جامعه ایران با بحران‌های عمیقی مواجه است که جمهوری اسلامی راحلی برای آن‌ها ندارد. سیاست‌های این رژیم و جناح‌های آن، همه به شکست انجامیده‌اند. بحران سیاسی کنونی جامعه ایران نشان داده است که راه اصلاح در این سیستم بسته شده است. جامعه ایران نیاز به انقلاب و دگرگونی دارد.

سوئیس

۳۰ فرانک	علی‌اکبر صفایی فراهانی
۴۰ فرانک	سیامک اسدیان (اسکندر)
۳۰ فرانک	حمید اشرف
۵۰ فرانک	محمد کاسه‌چی
۵۰ فرانک	امیر نبوی

دانمارک

۲۰۰ کرون	هوشنگ احمدی
۲۰۰ کرون	دکتر نریمبسا
۲۰۰ کرون	خروش (اوت)

سوئد

زنده باد سوسیالیسم	
و زنده باد آزادی	
۲۰۰ کرون	

آمریکا

۵۰ دلار	بردیا
۵۰ دلار	شیکاگو

ایران

۱ میلیون تومان	آبان ادامه دارد
----------------	-----------------


کانادا - تورنتو

۵۰ دلار	هوادار از تورنتو
۲۰ دلار	جهانگیر باقرپور
۲۰ دلار	خیرالله حسنونند

آلمان

۱۰۰ یورو	خسرو
----------	------





سرنگون باد رژیم
جمهوری اسلامی

برقرار باد
حکومت شورائی

هواداران - اسلام‌نقد - آفتاب

عمیق‌تر شدن شکاف در درون طبقه حاکم

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در تویتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

t

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

[kar.fadaianaghaliyat](https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat)

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 932 August 2021

آنجائی که دستگاه اجرائی باید امور روزمره بورژوازی را رتق وفتق کند و جامعه را از نظر اقتصادی و سیاسی تحت کنترل داشته باشد، به عبارتی کارهای عملی را بر عهده دارد، در جریان عمل با موانع و تضادهایی مواجه می‌شود که از خصلت دینی دولت، عملکرد نهادها و مقررات دینی قرون وسطایی در جامعه‌ای که مناسبات سرمایه‌داری بر آن مسلطاند در داخل و تلاش در خارج برای اشاعه اسلام‌گرایی با اهداف و تمایلات پان اسلامیتی ناشی می‌گردند. از همین روست که در تمام دوران موجودیت جمهوری اسلامی، این تضاد همواره عمل کرده در صفحه ۹

می‌کنند، از قدرت سیاسی کنار گذاشته شده‌اند. بنابراین، هیئت حاکمه نه فقط دیگر هیچ‌گونه نفوذ و اعتباری در میان توده‌های مردم ایران ندارد، بلکه در بالا نیز به یک دارو دسته ناچیز، متشکل از طرفداران خامنه‌ای تبدیل شده است. البته جمهوری اسلامی بنا به سرشت متناقض خود به عنوان یک دولت مذهبی پاسدار نظام سرمایه‌داری، از همان آغاز موجودیتش همواره با کشمکش و نزاع میان جناح‌های هیئت حاکمه و تصفیه‌های درونی همراه بوده است. این کشمکش نیز همواره در تضاد و اختلاف میان دستگاه اجرائی با گروه‌ها و نهادهای وابسته به ولی فقیه و طرفداران او سر باز کرده است. معمولاً از



shora.tv@gmail.com

تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی از اول فوریه ۲۰۱۹ برابر با ۱۲ بهمن ماه ۱۳۹۷ بر روی شبکه تلویزیونی Komala TV / Shora TV پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی "کومله تی وی / شورا تی وی" بدین قرار است:

ماهواره یاه ست (yahsat) فرکانس: ۱۱۹۵۷ سیمبل ریت ۲۷۴۸۰
پولاریزاسیون عمودی

ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی:
دوشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

سه‌شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

چهارشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

پنجشنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

جمعه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

شنبه: از ساعت ۹ تا ۱۰ شب

شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

یکشنبه: بازپخش ساعات ۳ تا ۴ بامداد، ساعت ۹ تا ۱۰ صبح و ساعت ۳ تا ۴ بعدازظهر

آدرس ایمیل: Shora.tv@gmail.com، شماره تلفن:

۰۰۴۵۳۶۹۲۱۸۷

<https://fadaian-aghaliyat.org>، <https://tvshora.com>

فیس بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی